



فهرست:

برگزاری متحدانه روز کارگرو روز معلم شروع
همبستگی طبقاتی

(1) وضایف تقسیم کار در سندیکاها

(2) نبرد برای نان و آزادی

(3) ستم ملی و سندیکا (2)

(4) نامه های رسیده دوستان

(5) اخبار

حقوق قانونی کارگران و راه های پیشنهادی

تنها جنگ می تواند قانون ها را تغییر بدهد

پدرم

برای لقمه نانی بخور و نمیر شب

و روز کار می کرد

و معتقد بود

آبروی یک مرد در گروی این است

که خانواده اش

گرسنه نماند

و بدترین کار یک دولت این است

که مردمش گرسنه باشند

کاش می شد قانون ها را تغییر داد

که کارگرا بتوانند نامزد ریاست

جمهوری شوند

(1) کارگران ایجاد تشکل مستقل و اعتصاب حق قانونی شما در

برابر گرسنگی، ستم و بهره کش است.

(2) طبقه 14 میلیونی کارگران ایران، با ایجاد فدراسیون و اتحادیه

های سراسری مبارزه و مقاومت خود را در سطح ملی تقویت

کنید.

(3) کارگران امنیت شغلی، بیمه های

درمانی، بیکاری، بازنشستگی، تحصیل و مسکن رایگان حق

قانونی شما است.

(4) علیه خصوصی سازی اقتصاد (خودمانی سازی) علیه

خصوصی سازی آموزش، درمان، ورزش و خدمات عمومی

توسط مافیای ثروت و قدرت مبارزه خود را تشدید کنید.

(5) آزادی بیان، قلم، مطبوعات و نظارت و کنترل تشکل های

کارگری و مردمی بر تولید، توزیع و واردات تنها راه مقابله با

فساد و رانت خوارهای دولتی و موسسات اقتصادی است.

(6) کارگران و هیئت های موسس اقدام به ایجاد اتحادیه ها و

سندیکاهای کارگری در کارخانجات و محیط های کارگری

کنید.

راه ارتباطی با نشریه :

کارگران برای بهبود نشریه خود پیشنهادات و انتقادات خود را به ایمیل ذکر شده بفرستید چرا که این نشریه تنها با همکاری

شما در جهت رسیدن به حقوق حقه ما کارگران پیش خواهد رفت. چرا که :

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است.

karegaran.sakhteman@gmail.com

سرمقاله:

برگزاری متحدانه روز کارگر و روز معلم شروع همبستگی طبقاتی است. همبستگی و تشکیلات نیاز همیشگی کارگران، معلمان و تمامی زحمتکشان است، البته در مقاطعی از تاریخ مبارزاتی همبستگی و متشکل شدن به ضرورت حیاتی تبدیل می گردد که اگر عملی نشود نه تنها مطالبات خود را بدست نمی آوریم بلکه آن موارد ناچیزی را هم که داریم در مقابل حملات طبقه و دولت سرمایه داری از دست داده، دچار شکستهای سختی می شویم، امروز با توجه به بحران های اقتصادی داخلی و جهانی و تحریم ها سرمایه داری و دولتش برای انداختن بار آن به شانه های طبقه کارگر حملات خود به کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و دیگر زحمتکشان را بیش از پیش افزایش داده است و از طریق تحمیل گرانی و تورم، بیکاری و اخراج های گروهی، تبعیض ها و دستمزد های یک چهارم زیر خط فقر، حذف یارانه ها، حذف بهداشت و درمان و تحصیل رایگان و ... ضمن فراقنی اثرات بحران ها و تحریم و نجات حاکمیت سرمایه داری حمله های جدیدی به سفره های خالی زحمتکشان کرده و سودهای بیشتری به جیب می زنند و خانواده و فرزندان زحمتکشان را از نان، مسکن، تحصیل و بهداشت بیشتر از قبل محروم می کنند.

سرمایه داری و دولتش همه این جنایات علیه کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، جوانان و بیکاران را به این دلیل می تواند پیش ببرد که طبقه کارگر (کلیه زحمتکشان) دچار تفرقه و پراکندگی است، ما برای مقابله با سرمایه داری و دولتش تنها یک راه داریم و آن وحدت و تشکیلات است.

کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، دانشجویان و جوانان !!!

با توجه به نزدیک شدن به روز جهانی کارگر و روز معلم (روز شهادت ابوالحسن خاندلی) یک موقعیت خوب تاریخی جهت سرعت بخشیدن به اتحاد و همبستگی و ایجاد تشکل در اختیار داریم، باید در چنین روز های تاریخی به برگزاری متحدانه مراسم های فوق اقدام نماییم، در چنین روزهای می توانیم با عبور از اختلافات پراکندگی را کم کرده به همبستگی بیشتری دست یافته و آن را دست مایه اولیه برای حرکت به سوی متشکل شدن بیشتر بخصوص متشکل شدن در قالب فدراسیون و کنفدراسیون قرار بدهیم،

بباید روز کارگر و روز معلم را با برنامه ریزی به صورت همبسته میان تمامی زحمتکشان با شکوهتر از گذشته برگزار کنیم و متحدانه خواستار حق تشکل، حق اعتصاب، اشتغال دائم، امنیت شغلی، لغو هر گونه تبعیض، خواهان دستمزد های متناسب با تورم، آزادی فعالین زندانی کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان، تشکل های مردمی را هدف مبارزات خود قرار بدهیم، بدون شک همه قبول داریم زمانی می توانیم به چنین خواسته های دست یابیم که متشکل شده باشیم در این مقطع تاریخی بیشتر از هر زمانی نیاز به سندیکا، فدراسیون و کنفدراسیون داریم، که می توانیم با استفاده از تجربیات تاریخی طبقه کارگر مانند شورای متحده در دهه های 20 و 30 یا به شورا های کنترل در سالهای 57 تا 59 به نتایج همبستگی و تشکیلات پی ببریم، با توجه به نیاز امروزی مبارزه طبقه کارگر و شرایط موجود، با به هم پیوست تشکل های مستقل موجود کارگری و کانون های صنفی معلمان می توان فدراسیون و کنفدراسیون را پایه گذاری کرد و با کمک آن اقدام به تحمیل تشکل های مستقل به کارفرمایان و دولتش کرد و همچنین با استفاده از فدراسیون و کنفدراسیون می توان تشکل پذیری و تشکل سازی را در میان طبقه هر چه بیشتر گسترش داد، برای شروع چنین کاری برگزاری مشترک روز کارگر و روز معلم می تواند اقدام خوبی باشند. و البته با توجه به اعتصابات کارگران و معلمان در سال 1393 که پیروزی های نیز بدست آوردند نشان می دهد که شرایط طبقه کارگر برای ساختن تشکل در درون خود طبقه بسیار آماده است فقط نیاز به اقدام فعالین و تشکل های مستقل موجود دارد تا عملی شود.

کارگران، معلمان و تمامی زحمتکشان فرصت را از دست ندهید با تشکیل کمیته برگزاری مشترک و یا با به هم پیوستن کمیته های برگزاری موجود به سمت برگزاری متحدانه حرکت کنیم.

هیات های موسس سندیکای (تابتا)

18/1/1394

کارگران ایجاد تشکل مستقل و اعتصاب حق قانونی شما در برابر گرسنگی، ستم و بهره کش است.

خصوصیات یک تشکل و مبارزات طبقاتی کارگران کدام اند؟ الف - وظایف تقسیم کار در سندیکاها چگونه می باشد؟

مقدمه:

در جامعه ی مبتنی بر مالکیت خصوصی ابزار و امکانات تولید سرمایه داری ایران بر اساس منافع آشتی ناپذیر طبقاتی در یک طرف خانواده 50 میلیونی کارگران به عنوان فروشنده تنها داراییشان یعنی نیروی کارشان برای انباشت نجومی سرمایه و در نتیجه فقر و گرسنگی و مرگ تدریجی و از دیگرسو طبقه صاحب قدرت و اختیار سرمایه داری می باشد. این طبقه برای حفظ و ادامه این مناسبات بهره کشانه از یک طرف احزاب، دولت سرکوب گر، رسانه ها و ... را در اختیار داشته و از این ها مهم تر این است که به نا آگاهی و رقابت درونی و پراکندگی خود کارگران تکیه دارد چراکه با توجه به برتری 99 درصدی کارگران حتی یک روز هم دوام نمی آورد. طبقه چند میلیاردری کارگران جهان در طول 200 سال مبارزه طبقاتی خود در اشکال صنفی، سیاسی و فکری علیه بهره کشی و استبداد سرمایه داری تجارب ذی قیمتی در عرصه آگاهی تشکل و اشکال مبارزه طبقاتی به دست آورده اند که علی رقم اختلاف در سطح و تنوع اشکال آنها دارای هدف یکسانی در جهت غلبه بر تفرقه و پراکندگی و ناآگاهی کارگران هستند. هدف تشکلات تقویت و ایجاد همبستگی مبارزاتی طبقه کارگر به عنوان یک طبقه در مقابل طبقه دولت و احزاب سرمایه داری برای رسیدن به خواست و اهداف کوتاه مدت و بلند مدت در رهایی از ستم استثمار سرمایه داری می باشد. به طور خلاصه طبقه کارگر در عرصه مبارزه صنفی برای فروش بهتر نیروی کار و پایین آوردن شدت بهره کشی در چهارچوب نظام سرمایه داری سندیکاها - اتحادیه ها - تعاونی ها و صندوق های همیاری را دارا می باشد و در عرصه مبارزه سیاسی برای محو بهره کشی از طریق انقلاب در رسیدن به حاکمیت کارگری حزب سیاسی - شوراهای کنترل و نمایندگان، کمیته های انقلابی و را دارا می باشد. به طوری که اشاره شد این تشکل ها به عنوان ابزار سازماندهی و همبستگی طبقاتی کارگران علی رقم اختلاف در سطح و نوع تشکل نه در مقابل هم بلکه هم راستا مکمل و تقویت کننده هم می باشند. اما دولت و احزاب سرمایه داری با هم دستی ستون پنجم های خود در بین کارگران با تبلیغات مسموم این طور نگاه می کنند که کارگران فقط برای انباشت ثروت و فراهم کردن سور و سات طبقه سرمایه داری آفریده شده و نظام سرمایه داری مادام العمر می باشد و طبقه کارگر در بهترین حالت فقط می تواند از طریق تشکل های زرد و دولت ساخته برای الطافات از ارباب به بردگان خود در افزودن دو سه ریال بر مزدش شود. صحبت از حق ایجاد تشکل مستقل، حق اعتصاب، حق بیان و حق آزادی، حق احزاب و مطبوعات کارگری، حق بستن قرار دادهای دسته جمعی، حرفی سیاسی می باشد. سندیکا جای این حرفا نیست برداشتن یارانه ها و گرانی مایحتاج ضروری مانند نان، آب، برق و گاز واردات کالاهای بنجل و نابودی 80 درصدی تولید و بیکار سازی میلیونی کارگران تبدیل تمامی امکانات، درمان، تحصیل خدمات بنام خصوصی سازی به حیات خلوت غارت های میلیاردری همه و همه مربوط به مسایل سیاسی بوده و فقط نمایندگان و احزاب و دولت سرمایه داری حق سخن دارند، حزب، فقط حزب های اسلامی کار و ... بوده و کوچکترین کلامی در این مورد برای کارگر گناه کبیره حساب می شود. با صد افسوس عین همین کلام از دهن بعضی از تشکل های مستقل شنیده میشود که اگر برای طبقه سرمایه داری و خدم و هشم آن برای دامن زدن به پراکندگی و تفرقه و ناآگاهی کارگران ادامه حفظ بهره کشی بعنوان مسایل زیست طبیعی بوده باشد اما برای دوستان و فعالین تشکل های مستقل کارگری آگاه این کلام عین خیانت محسوب می شود. چرا که از دید اصولی منافع طبقاتی کارگران تمامی اشکال مبارزه و تشکل های مستقل طبقاتی در خدمت رسیدن به صف مستقل و واحد سراسری کارگران برای تحقق مطالباتشان بوده لازم و ملزوم یکدیگر بوده و جدایی ناپذیر است.

با این مقدمه یک تشکل رزمنده کارگری دارای چه خصوصیات می باشد؟

1- **تحمل صف مستقل و استقلال طبقاتی کارگرانند** اولین صفات یک تشکل خوب کارگری داشتن مرز استقلال طبقاتی کامل از سیاست و برنامه طبقه دولت و احزاب سرمایه داری و در مقابل آن به عنوان طبقه بهره کشی در حال مبارزه با آن می باشد که دارای برنامه، هدف و سایر مبارزات بر اساس برنامه کوتاه مدت و بلند مدت طبقه کارگر است بدون چنین مرزی تشکل های کارگری در هر سطحی به ابزار فریب و عوام فریبی کارگران و زانده سرمایه داری تبدیل خواهند شد.

2. **سنبل سازماندهی یکپارچه کردن مبارزات کارگرانند.** هر تشکل تا زمانی که وسیله پیش برد مستقل مبارزات طبقاتی کارگران در مقابل طبقه سرمایه داری جهت تحقق خواسته های آنان تبدیل نشود هرچند هم که دارای ظاهرا استقلال طبقاتی بوده و عین گربه حول دیگ کارگران بچرخد هویت وجودی و اصلی خود را از دست داده و ابزار حرافی و روده درازی

طبقه 14 میلیونی کارگران ایران با ایجاد فدراسیون و اتحادیه های سراسری مبارزه و مقاومت خود را در سطح ملی تقویت کنید.

به جای عمل و پیشبرد مبارزه تبدیل خواهد شد و عملاً باعث بدگمانی تردید و جدایی بدنه اجتماعی از تشکل ها خواهد شد که ارتباط آنها با بدنه و برنامه عملی مشخص سازماندهی مطالبات ضروری کارگران، درگیر کردن و دادن مسئولیت به اعضا در حوضه پیشبرد وظایف تشکل در حوضه سازماندهی مبارزات کارگران و دیگر موارد با حفظ روحیه رزمنده تشکل در بدست آوردن خواسته های مردمی اعتماد و خود باوری اعضا را تقویت کرده و به ارتقا آگاهی و همبستگی طبقاتی دامن خواهد زد که متأسفانه در شرایط کنونی از ضعف های تشکل های کنونی می باشد.

3 - تشکل رزمنده سنبل اراده و قدرت مستقیم و از پایین کارگران برای کنترل اراده و اداره امور جاری خود می باشد اگر در سیستم سرمایه داری بر اساس مالکیت خصوصی و منافع شخصی همه چیز از بالا دیکته شده و کنترل می شود و افراد به پیچ و مهره بی اراده در جهت مکیدن ارزش افزوده نیروی کارشان می شوند درست نقطه مقابل آن تشکل های کارگری باید روحیه همکاری، همیاری و کمک برادرانه و متقابل در اداره امور توسط خود کارگران آنان را از حالت پیچ و مهره نظام بهره کشی به خودباوری، همکاری، همدردی و هم سرنوشتی به یکدیگر رسانده و افراد را با روحیه سوسیالیستی و انسانی که نجات خوشبختی خود را در نجات و خوشبختی همه کارگران دیده و روحیه ایثار و فداکاری همگان را تقویت کنند تربیت و آموزش دهد. این مسئله در تشکل ها با دادن مسئولیت و مشارکت تمام اعضا در اداره امور تشکل، تقویت تصمیم گیری همگانی از طریق مجامع عمومی به بحث گذاشتن هر نوع مشکلات به طور کتبی و تقاضای همگانی مسئله، رفراندوم در حل مسئله فوری توسط اعضا در مابین مجامع از طریق سایت و نشریه و ... میسر می شود. متأسفانه در شرایط سرکوب های کنونی که فعالیت نمایندگان تشکل های برجسته و نمایان شده و فرصت مشارکت همگانی اعضا پایین آمده خطر بروکراتیزه شدن و باند بازی در اشکال سرمایه داری در درون تشکل های مستقل کارگری تقویت شده است. دوستان صاحب مسئولیت باید با تکیه بر ارتقاء آگاهی طبقاتی و انقلابی با کیش خود پرستی و خود شیفتگی درونی خود شدیداً مبارزه کرده و از طرفی تشکل ها باید از طریق دامن زدن به انتقاد از پایین و کنترل بر اعمال نمایندگان و از طریق اعضا و بازرس تشکل ها به مبارزه با این پدیده شوم برخیزند. متأسفانه نظام سرمایه داری با دامن زدن آگاهانه به فرد گرایی افراد مسئول در تشکل ها آنها را از روحیه مبارزاتی خارج کرده و در اختیار خود می گیرد. شرکت و قبول مسئولیت اعضا در پیشبرد وظایف تشکل ها و برگزاری منظم مجامع عمومی، انتقاد از افراد خاطی و اخراج آنها با تصمیم مجمع عمومی ارتقا آگاهی طبقاتی در تقویت اداره دموکراتیک و تقویت خود باوری اعضا به قدرتشان در قبول مسئولیت و فداکاری تشکل ها محکم و آب دیده و کارساز کرده و جلو بروکراتیزه شدن آنها را سد می کند.

4 - تشکل رزمنده سنبل انضباط با برنامه آگاهانه و تعهد مسئولیت در مقابل هرج و مرج و سستی و تنبلی می باشد. اگر در تشکیلات و سازمان سرمایه داری بر اساس منافع شخصی و خصوصی افراد و شرکت ها شخص و افراد در خدمت فرمان و زیر دست آنها قرار گرفته و ضرورت کار و تمکین به انضباط آهنین نه به صورت وظیفه بلکه با اجبار به فروش نیروی کار و ترس از گرسنگی و اخراج صورت می گیرد، درست بر عکس در نقطه مقابل آن در تشکل های کارگری انسان ها آزادانه و داوطلبانه حتی با به جان خریدن زندان و اعدام منافع سعادت خود را در همکاری، همیاری متقابل و آگاهانه به عنوان یک وظیفه دانسته که به شعار انقلابیون فرانسه "یکی برای همه و همه برای یکی" عمل می کنند و موقعیت عینی کارگران هم انعکاس همین وضعیت همیاری، غمخواری و کمک متقابل آگاهانه در نجات فرد در گرو نجات همه می باشد بنابراین کارگران هرچند مناسبات و اخلاقیات سرمایه داری در پرورش منافع شخصی و رقابت درونی در رسیدن به منافع شخصی دورتر رفته و فاصله بگیرند هر چه با خود بیگانگی خود غلبه کرده و به طرف آگاهی طبقاتی در درک بهتر شرایط خود بروند و هر چقدر در تشکلات طبقاتی خود با انضباط آهنین و قبول مسئولیت به عنوان وظیفه خود، خود را متشکل تر کنند به همان اندازه به ستون بهره کشی و استبداد سرمایه داری ضربه زده و به تعیین سرنوشت اجتماعی و اقتصادی خود واقف تر و نزدیک تر می شوند اما بر خلاف جریانات انحرافی کارگری حرکات خود به خودی کارگری به علت تسلط ایدولوژی و مناسبات خود پرستانه سرمایه داری عده ای چنین افرادی از میان کارگران اندکی بوده و به قول مارکس رهبر

بزرگ کارگران توده ها در سطح گسترده فقط در شرایط انقلاب به این سطح از فداکاری و همیاری و کمک متقابل می رسند بنابراین این انضباط در تشکل های مستقل کارگری متشکل از افراد داوطلب جسور و فداکار نه نشانه ترس بلکه نشانه خدمت آگاهانه در جهت نجات کل جامعه می باشد و هر چه آگاهی طبقاتی بالاتر باشد به همان اندازه درجه تشکل انضباط آگاهانه بالاتر خواهد شد.

با توجه به توضیحات بالا:

- الف - گردآوری افراد داوطلب مبارز به عنوان ستون اصلی تشکل ها.
- ب - دادن مسئولیت های کلیدی به افراد جان بر کف کاردان و آگاه که از وقت و منافع شخصی خود گذشته و تمام وقت در خدمت تشکل ها هستند و زندان و شکنجه را به جان می خرند
- ج - تقسیم کار بر اساس استعداد و توانایی افراد.
- د - گزارش دهی منظم افراد صاحب مسئولیت از وظایف محوله به مجمع
- م - برگزاری منظم جلسات دوره ای مسئولین برای بررسی و تصمیم گیری در مورد مشکلات و مسایل پیشرفت و عدم پیشرفت کارها.

دست آخر این که افراد داوطلب مسئول باید در قبال مسئولیت های محوله مجمع جواب گو بوده و از هر گونه اغماض و کوتاهی دوری کنند و انتقاد اعضا را به جان خریده و در مسیر اصلاح و بهبود شیوه ها و راهکار های مبارزه حرکت کنند.

5 - تشکل های مبارز کارگری سنبل روح وحدت و مبارزه دسته جمعی در سطح ملی و جهانی هستند. اگر طبقه سرمایه داری با سامان دادن به رقابت درونی و تفرقه میان کارگران و رواج این توهم که اگر کارگران نیز بر اساس سود و منافع شخصی کار کنند سرمایه دار می شوند و گور بابای دیگران. درست نقطه مقابل این درک گرگ منشا نه در رواج مرز مشترک انسان و حیوان تشکل های طبقاتی باید نشانگر و مبلغ و بیانگر منافع کلی کارگران به عنوان طبقه ملی و جهانی در مقابل طبقه سرمایه داری باشد روند چنین درکی در کنار ارتقاء آگاهی و طبقاتی کارگران از هم سرنوشتی، همدردی آنها در مقابل بهره کشی طبقه سرمایه داری در این چهار چوب باید درک طبقاتی 14 میلیونی کارگران ایران به عنوان یک طبقه سراسری و جزیی از طبقه 2/5 میلیاردي کارگران در هم سرنوشتی و برنامه مشترک رهایی از بهره کشی و استبداد و طبقه جهانی سرمایه داری ارتقاء داده و تشکل های مستقل نمونه اصول و سرمشق این وحدت ملی و جهانی می باشد، برای درک بهتر این مسئله باید به حمایت جهانی کارگران از کارگران ایران خصوصا فعالین کارگری اشاره کرد و تشکل ها باید علاوه بر وحدت با تشکل های داخلی در جهت ایجاد فدراسیون با تشکل های منطقه ای و جهانی علاقه و ارتباط برادرانه خود را تقویت کنند و تجارب ملی و جهانی خود را مانند مبارزات کارگری در اول ماه می به عنوان روز رزم و همبستگی کارگران در مقابل طبقه جهانی سرمایه داری را محور تبلیغات و برنامه عملی خود قرار دهند.

6 - تشکل های مبارز سنبل اقدام مبارزاتی مستقیم کارگرانند.

اقدام مستقیم یعنی چه؟ اگر تشکل های ساختگی سرمایه داری و شوراهای اسلامی و خانه کارگر به عنوان ستون پنجم سرمایه داری با لباس کارگری در میان کارگران بنام سه جانبه گرایی و دوری از سیاست و جاده صاف کن و حفظ و ادامه بهره کشی نظام سرمایه داری انجام وظیفه می کنند و به قول و حرف جالب حسن صادقی از مسئولین خانه کارگری گفته بود اگر ما اعتصابات را در درون کارخانه ها نگه نمیداشتیم و به بیرون می رفت دقیقا معلوم نبود چه اتفاقات خطرناکی رخ میداد، اگر تشکل های صنفی سازش کار با محدود کردن مبارزه و دادن بیانه های بی آب و رنگ و جلوگیری از گسترش و سراسری شدن اعتصابات و چسبیدن به صنوف محدود مشغول اند برعکس نقش اصلی تشکل های واقعی به عنوان مدافعین حقیقی کارگران مبارزات طبقاتیشان را براساس مطالبات ضروری و مشخص در مقابل بهره کشی سرمایه داری سازماندهی کرده و از بستر مبارزات کنده نشده و فقط به دنبال احیای حقوق حقه کارگران بوده و تمامی اعتصابات و اعتراضات کارگری را سازماندهی کرده و نقش مستقیم در مبارزات کارگری را بایستی ایفا نمایند.

علیه خصوصی سازی یا خودمانی سازی آموزش، درمان، ورزش و خدمات عمومی توسط مافیای ثروت و قدرت مبارزه خود را تشدید کنید.

در کنار تزریق سموم ضد آگاهی طبقاتی توسط احزاب و دولت سرمایه داری بدترین ضربه توهّم پراکنی در تشکل های صنفی در کشیدن دیوار چین بین خواسته ها و تشکل صنفی - سیاسی می باشد که آگاهی طبقاتی کارگران از مناسبات سیستم سرمایه داری در انقلاب حاکمیت کارگری را گناه کبیره دانسته و نقش نهاد های صنفی را نه در عرصه مبارزه بلکه در حد حرف تنزل می دهد. این که جایگاه تشکل های کارگری و تقسیم بندی رضایت آنها با هم فرق داشته شکی در آن نیست. اما این که یک کارگر متشکل در سندیکا نباید آگاهی طبقاتی خود را بالا برده و خود را برای مبارزه جدی آماده کند در آستانه نابودی بوده و خدمت برای بهره کشی می باشد. در این راستا کارگران مبارز باید برای نان و حق اعتصاب، حق تشکل، آزادی بیان مطبوعات و احزاب مبارزه کنند.

8 - تشکل های مبارز کارگری سنبل تجمع آگاهانه و با برنامه متشکل کارگران و به عنوان دسته پیشرو و پیشاهنگ ستاد فرماندهی کل طبقه کارگر است به طوری که اشاره کردیم. طبقه انگشت شمار سرمایه داری از طریق دولت و احزاب خود برای ادامه و تداوم بهره کشی از 99 درصدی کارگران رقابت درونی پراکندگی و نا آگاهی کارگران استفاده می کنند، تا تشکل کارگران را به عنوان یک طبقه سراسری در مقابل برنامه و سیاست های سرمایه داری برای کسب مطالباتش سد نماید. در شرایط بردگی، از خود بیگانگی و نا آگاهی کارگران، پیشرو ترین آگاهانه ترین پیگیر ترین و جسور ترین بخش طبقه کارگر که به درک نجات کل جامعه رسیده است و از شکنجه و زندان نمی ترسد و همچنین به ضرورت ایجاد تشکل رسیده است به عنوان پیشاهنگ و ستاد فرماندهی کارگران با ایجاد تشکل های مبارز کارگری در جهت بهبود شرایط و رهایی از بردگی مادی و معنوی سرمایه داران سازماندهی می کنند. هر گونه تنزل بخش عناصر آگاه و پیشرو تا حد پراکندگی کارگران کمک مستقیمی به بهرکشان می باشد.

9 - جهت حرکت کارگران باید همبستگی سراسر بر اساس خواسته ها و برنامه های سراسری در جهت فدراسیون باشد. اگر سندیکا محدود به صنف و بخشی از یک رشته بوده مانند: نقاشان، از ساختمان یا شرکت واحد از حمل و نقل بوده که خواست ویژه و محدود به آن بخش را نمایندگی میکند بدون حرکت در جهت ایجاد اتحادیه همان بخش و سپس از تجمع اتحادیه فدراسیون سراسری کل کارگران، طبقه کارگر نمی تواند در مقابل قدرت متحد و سراسری طبقه سرمایه داری برای ادامه بهره کشی و تشدید مضاعف استثمار دست به مقابله بزند مانند این که یک پاسگاه روستایی در مقابل یک ارتش سراسری تن به شکست خواهد داد یا مانند جنگ گروهی پارتیزان بدون نتیجه خواهد ماند. برای ایجاد همبستگی سراسری تشکلات و فعالین موجود باید بر اساس مطالبات و اهداف سراسری کارگران مانند امنیت شغلی دستمزد متناسب با تورم حق اعتصاب و حق ایجاد تشکل در جهت فدراسیون حرکت کنند.

10 - در شرایط خفقان و سرکوب شدید برنامه ریزی بستر و زمینه سازی برای تاسیس هیئت موسس جهت ایجاد تشکل واقعی و اتحادیه های سراسری و دیگر بخش های کارگری روند آگاهانه است نه خود به خودی:

الف - قبل از هر چیز در داخل هر صنف و هر رشته محیط های کارگری نیروهای آگاه و مبارز و جسور و داوطلب فعالیت کارگری و معتقد به ایجاد تشکل که توان آن را پذیرفته اند به عنوان ستون و اساس پیش برنده هدف و برنامه در ایجاد تشکل ها در غالب هیئت های موسس گرد آورند

ب - نشست اولیه برای اولا تعیین زمان و مکان دقیق نشست جلسات اعضای موسس

ج - بحث روی کلیات مسائل و برنامه ریزی و چگونگی پیشبرد عملی ایجاد تشکل ها به لحاظ الف: نوشتن اساس نامه ب: چگونگی تفهیم هر صنف و رشته جهت عضو گیری برگزاری مجمع عمومی برای به رسمیت رساندن تشکل ج: تقسیم بندی کار د: گزارش دهی

د - موارد کلی و بخش های و کمیته های تشکل را میتوان به قسمت های زیر تقسیم بندی کرد الف: تدارکات و مالی که شامل جمع آوری حق عضویت و کمک های مالی، امکانات چاپ و ارتباطی مکانهای جلسه و ... ب: تبلیغات: شامل خواسته ها و مسائل ضروری و مطروحه صنف و رشته مانند بیمه، دستمزد و توضیح ضرورت و چگونگی وحدت طبقاتی در ایجاد تشکل و ایجاد اعتراضات و اعتصابات و تومار نویسی برای گرفتن حقوق کارگران و غیره

م - کمیته آموزش: آموزش اصول پایه ای اقتصاد، تاریخ، سوسیالیسم، آموزش تاریخچه مبارزات 200 سال جنبش کارگری جهان و یک قرن و اندی ایران در مورد اشکال مبارزات طبقاتی اشکال سازماندهی به صورت جزوه و مقاله و بولتن و ... د: کمیته سازماندهی و ارتباطات: شامل چگونگی عضو گیری نظارت بر تهیه مکان های جلسه و ادامه نشست های دوره ای دریافت و کنترل و گزارش دهی منظم کمیته ها، بیان کارشان، بررسی پیشنهادات بخش ها و اعضا در مورد پیشنهادات و مسائل ارائه شده عملی و مبارزاتی برای تحصن، اعتصاب و تدارک برنامه ریزی برای برگزاری باشکوه مراسم ها مانند اول ماه می، اقدامات عملی مبارزاتی و ...، کمیته گزارشگران و خبرنگاران از میان افراد مساعد اعضا جهت گزارش دهی از مشکلات و مسائل کارگران مجامع عمومی، گردهمایی ها و کارخانجات و غیره تهیه انتقادات و نظرات و پیشنهادات کارگران در مورد عملکرد

اعضا و تشکل ها و نظرخواهی و روانشناسی توده ای از میان بدنه اجتماعی تشکل جهت اقدامات عملی و مبارزاتی میسر برای گرفتن مطالبات کارگری و...

ه - مجمع عمومی نشریه و سایت : سه رکن اساسی ارگانیزه شده و هدایت و سازماندهی تشکل در شرایط سرکوب و منع فعالیت قانونی که ارتباط نزدیک و آگاهانه و با برنامه پیشروان و رهبران عملی کارگری جهت سازماندهی مبارزات کارگری و کسب مطالبات کارگری با بدنه اجتماعی صنف، رشته، و یا کارخانه تضعیف شده و از بین می رود و ارتباط طرفین مبارزه متشکل شده به حداقل می رسد و هزینه مبارزه سنگین و کمر شکن می باشد. سایت به عنوان قلب و مغز تشکل و نشریه به عنوان رگ خون رسان و ارتباطی مبارزاتی رهبری با بدنه و کل توده های کارگر. مجمع عمومی به عنوان هویت بخش و تجسم کلیت منافع مبارزه طبقاتی کارگران در قالب تشکل های مستقل در مقابل بهره کشی طبقه و سیاست ها و برنامه های سرمایه داری هست در این رابطه آموزش استفاده از اینترنت و چگونگی ارتباطات برای اعضا در اولویت اعضا و تشکل ها باید باشد.

ت - انضباط آهنین در برگزاری نشستهای جلسات دوره ای و گزارش دهی بیلان کار و احدها دو رکن اساسی در پیشبرد و حل مسائل تشکلهای و ادامه کار سازماندهی می باشد. اگر در نظام سرمایه داری کارگران برای زنده ماندن زجر و گرسنگی - --شان به انضباط پادگانی و طاقت فرسای سرمایه داری تن در دادند و در ترس از اخراج و بیکاری و گرسنگی نیروی کارشان را در خدمت مکیدن ارزش اضافه سرمایه داران قرار میدهند و اگر علیرقم برتری 99 درصدی کارگران، پراکندگی و نا آگاهی و نابرابری در میان آنها در کنار سیاستهای برنامه ریزی شده سرکوب دولت و احزاب سرمایه داری باعث بقا و ادامه بهره کشی و فقر و گرسنگی آنها می باشد اگر کارگران چاره ای جز همبستگی طبقاتی به عنوان یک طبقه آگاه و متشکل در مقابل قدرت طبقات بهره کش ندارند قدم و خشم نیروهای سرکوبگر تا دندان مسلح سرمایه داران در سطح ملی و سراسری میزان تشکل و سازماندهی و انضباط امری حیاتی و جبری برای ما کارگران می باشد پس فعالین و اعضای تشکلهای مخصوصا کمیته های یاد شده باید وظایف و راهکارهای محول شده و مجمع عمومی را دقیق و منظم پیش برد و به طور منظم به مجمع عمومی و ارگانهای منتخب گزارش دهند.

الف - برگزاری منظم جلسات:

- 1 - زمان و مکان دقیق جلسات باید از قبل مشخص باشد. بهتر است این کار در همان نشست صورت گیرد
- 2 - شرکت اعضای مسئول ضروری و حتمی بوده و هرگونه توجیه غیر موجه باید مورد بازخواست و به مجمع عمومی گزارش داده شود
- 3 - اعضای شرکت کننده از قبل باید دقیقاً رؤس موارد بررسی جلسات را بر اساس اولویت بندی مشخص کرده و آماده شرکت کنند.
- 4 - باید رئیس جلسه برای دادن وقت و رعایت نظم در هر جلسه به طور دوره ای و گردشی انتخاب شود.
- 5 - باید تمام مسائل بررسی شده و نتایج آن توسط فرد مساعد انتخاب شده جمع بندی شده و به مجمع عمومی یا ارگان منتخب مجمع گزارش گردد.

ب - در مورد ضرورت حیاتی بیلان کار گزارش هر کمیته ما و اعضای مجمع عمومی و ارگانهای منتخب :

- 1 - گزارش دهی به معنای ارگانیزه شدن و پیوند و ارتباط آگاهانه اعضا تشکل در راستای سازماندهی و پیشبرد و حل مسائل مبارزه طبقاتی کارگران بوده و بدون این مسئله تشکل کارایی و عمل کنندگی خود را از دست میدهد
- 2 - گزارش دهی یعنی انتقال تجربه مثبت و منفی و راهکارهای جدید شیوه های مبارزاتی و اشکال سازماندهی و اشکال سرکوب دشمن چگونگی تبلیغ و ترویج و آموزش و غیره می باشد.
- 3 - گزارش دهی به معنای مشخص شده نقاط ضعف و آسیب پذیر تشکل و چگونگی رفع آن می باشد
- 4 - گزارش دهی به معنای آموزش و پرورش واحدها و اعضای گزارش دهنده که ارتباط عملی و سازمان گرایانه با جریان مبارزه می باشد.

5- گزارش دهی نشانگر چگونگی پیوند و آگاهی و تجربه مبارزاتی در جریان مبارزه طبقاتی و سازماندهی و چگونگی حل مسائل در رسیدن به خواسته های کارگران می باشد

ج - چگونگی گزارش دهی:

- 1 - گزارش باید مسائل، اهداف و وظایف محوله به واحدها جهت اجرای عملی کارها و راه های عملی برای انجام و رسیدن به این وظایف را توضیح دهد. پیشرفت و تجارب جدید به دست آمده را جمع بندی و ارائه دهد

- 2 - عقب ماندگی، عدم جوابگویی و شکست احتمالی طرح ها علل آن و چگونگی علل آن را ارائه دهد
 - 3 - گزارش باید صادقانه، بدون اغراق در دستاوردها یا شکستها نوشته شود.
 - 4 - گزارش دهی باید منظم و در وقت تعیین شده دوره ای و به طور سیستماتیک به مجمع و یا ارگان منتخب در مجمع ارائه گردد.
 - د: تقسیم کار و قبول مسئولیت باید در قبال آن در مقابل تعهدش در برابر مجمع جوابگو باشد. در این رابطه باید مسائل زیر در نظر گرفته شود:
 - 1 - بررسی و طراحی و برنامه ریزی مشخص روی وظایف محوله مجمع و ارگانهای منتخب جهت عملی کردن.
 - 2 - زمانبندی دقیق روی زمان شروع و پایان حل مسئله
 - 3 - تقسیم کار و قبول مسئولیتهای فردی
 - 4 - گزارش دهی منظم و دوره ای روند کار
 - 5 - برگزاری منظم نشستهای دوره ای
- موارد بالا وظایف کمیته ها و چگونگی پیشبرد کارها توسط تشکل رزمنده کارگری میباشد
پیروز باشید

در سنگر مبارزه طبقاتی کارگران نبرد برای نان و آزادی جدایی ناپذیرند.

فقر و بهره کشی نظام سرمایه داری ایران طبقه 14 میلیونی کارگران با 50 و چند میلیون خانوار به عنوان مولد تمام ثروت ها و مایحتاج حیاتی مردم ایران مانند تغذیه و دارو، مسکن و بهداشت و غیره در بدترین اوضاع قرار دارند. عدم امنیت شغلی با 93 درصد کارگران با قراردادهای موقت و دستمزدهای یک چهارم خط فقر، بیکاری گسترده چند میلیونی، نابودی و نبود توان مالی در حوزه تأمینات اجتماعی مانند بیکاری، ازکارافتادگی، بازنشستگی، درمانی، خصوصا برای کارگران ساختمانی و در این شرایط بالاترین آمار تورم و گرانی با آماری بالای 80 درصد جمعیت زیر خط فقر قرار دارد. در کنار این روند طبیعی بهره کشی طبقه سرمایه داری ایران اگر قاجاق 25 میلیارد دلاری همراه با 50 میلیارد دلار واردات کالاجمعا 75 میلیارد دلار کالاهای بنجل توسط مافیای رانت خوار دولتی حکومتی را، کلا ایران را در جهت نابودی 80 درصدی تولید داخلی و بیکار سازی میلیونی کارگران و رشوه، اختلاس و چپاول علنی هزاران میلیاردی عالی ترین مقامات دولتی را با نظام کنونی با رهبری رحیمی و 220 هزار میلیارد توسط 600 دردانه حکومتی ربوده می شود. در حدود 260 هزار میلیارد دلار به همراه کم کردن بودجه آموزش، درمان و بهداشت فردی افزوده شدن بودجه برای نهادهای سرکوب فکری و نهادهای دیگر مسائل حساب کنیم ابعاد فاجعه گرسنگی و فلاکت عمومی مشخص تر می شود. دستگاه های امنیتی ایجاد شده دولت حافظ سرمایه داری اسلامی از یک طرف، مافیای ثروت کمتر از 1 درصد همراه با اوباشان و خدم و حشم خود با ماشین های چند میلیاردی و کالای چند ده میلیاردی و خانه های چند ده میلیاردی در بهشت برین زندگی میکنند و از دیگر سو کارگران و ستم دیده گان در بدبختی و نداری و بی آیندگی به جهنم بیکاری، ایجاد طلاق و تن فروشی مجبور می گردند. طبقه حاکم انگل و خونخوار سرمایه با انباشت هرچه بیشتر بر سرمایه های نجومی خود در حرص و ولع برای غارت ثروت های عمومی و بهره کشی مضاعف کارگران می افزاید و با افزایش تضاد فاصله طبقاتی مبارزه کارگران اوج گرفته و بر دامنه و عمق گسترده بقیه مبارزات کارگری افزوده و زمینه خیزش عمومی و انقلاب همگانی را شعله ورتر می سازد. طی ماه های اخیر اعتصاب همگانی کارگران، معلمان، پرستاران به بالاترین حد خود رسیده و باعث تقویت همبستگی سراسری ایجاد زمینه تشکل های سراسری شده است. اما در شرایط سرکوب و زندان، تفرقه، ناآگاهی، نبود تشکل های کارگر سراسری (اتحادیه سراسری) ارتش میلیونی نارضایتی توده های ستم دیده نمی تواند بر پایه خواسته های سراسری مانند امنیت شغلی، دستمزد شایسته، تشکلات و اعتصابات جنبه سراسری و همگانی درآید و به نتایج مطلوب برساند. در این مسیر مبارزه طبقاتی کارگران به عنوان موتور حرکت ماشین آنان در جهت نفی بهره کشی و رسیدن به مطالبات صنفی و سیاسی شان بدون تشکل های مستقل کارگری به عنوان سمبل یکپارچگی و اتحاد آگاهانه و هدفمند و هدایت آنان به طرف پیروزی ره به جایی نخواهد برد. به عبارت ساده تر مبارزه برای حق حیات و نان در مقابله با بهره کشی طبقاتی و دولت آن بدون نبرد برای آزادی و حق ایجاد تشکل و حق اعتصاب و اعتراض و مطبوعات و احزاب به عنوان ابزار در ایجاد، ارتقاء آگاهی و تشکل طبقاتی در

مدت یکپارچه کردن مبارزات پراکنده، تکی، خود به خودی کارگران قادر به بهبودی شرایط و وضع فلاکت بار خود نخواهیم داشت، خواسته های پایه ای کارگران در چارچوب نان مانند افزایش دستمزدهای متناسب با تورم، زندگی انسانی، اشتغال دائم، حق بستن قراردادهای دسته جمعی، خدمات عمومی قانونی رایگان مانند درمان، بهداشت، حق تعیین سرتوشت قانون کار مترقی متضمن کلی خواسته های اساسی کارگران نماینده های واقعی شان و همه و همه در صورتی میسر می باشد که کارگران حق ایجاد تشکل، آزادی مطبوعات را به و دولت سرمایه داری تحمیل کرده و همانند تمام کشورهای جهان از این به اصطلاح محصول قانونی مندرج در کلیه قوانین جهانی از جمله مقاوله نامه های 88 و 87 سازمان جهانی کار برخوردار باشد. بدون آزادی حق تشکل و اعتصاب، بدون ایجاد تشکل های مستقل کارگری به عنوان تنها وسیله سازمان یابی و همبستگی ملی طبقاتی کارگران برای رسیدن به مطالبات برحقشان روزگار کارگران و دیگر مزد بگیران سیاه تر و خراب تر خواهد شد. کارگران ایران بخصوص ماشین سازی، پتروشیمی و نفت و دیگر بخش های بزرگ باید در موقع اعتصابات گسترده که طبقه و دولت سرمایه داری ترسیده و وادار به عقب نشینی می شود در کنار خواسته های بهبود شرایط معیشتی خود حق اعتصاب و تشکل های مستقل خود را در اولویت قرار دهند. فقط با گرفتن آزادی ایجاد تشکل های گسترده از جمله سندیکا و اتحادیه می توانید موفق به اعتصابات سراسری شده و طبقه و دولت سرمایه داری را وادار به عقب نشینی کرده برای رسیدن به خواست های معیشتی باید قدم به قدم با تقویت همبستگی سراسری کارگران به ارتقا آگاهی و روحیه مبارزاتی در راستای حق کوتاه مدت و دراز مدت کارگران حرکت کرد و در این مسیر مبارزاتی، مبارزه برای خواسته های نان و آزادی دو رویه یک سکه مبارزات کارگران است.

قسمت دوم

ستم ملی و سندیکا

مبارزه برای حقوق صنفی و حقوق ملی دو رویه یک سکه مبارزاتی کارگران :

طبقه دلال و وابسته سرمایه دار ایران با عقب مانده ترین و غیر دموکراتیکترین شکل دولت و وحشیانه ترین اشکال بهره کشی و سرکوب و خفقان که در دوره شاهی و چه در دوره ولایت فقیه ستم مضاعف و بی قانونی را به کارگران در عرصه ملی و طبقاتی به عنوان اکثریت ملل تحت ستم و قومیت های مختلف ترک، لر، بلوچ و عرب وارد کرده و می کند در بهره کشی کارگران و تحقیر کردن و لجن مال کردن هویت ملی خلق ها در عرصه زبان، تاریخ، فرهنگ و سرزمین آن ملل تحت ستم را به شهروندان درجه 2 و گوش به فرمان سرمایه داران شونیست مرکز، تبدیل کرده و می کنند. در چنین شرایطی که یکطرف استعمار افسار گسیخته نادانی و فلاکت عمومی از طرفی تحقیر و زیر پا گذاشتن کرامت، شخصیت و حیثیت ملی کارگران ملل تحت ستم به اسم دفاع از تمامیت ارضی، منافع ملی و آب و خاک برای حفظ و ادامه بهره کشی و غارت ثروت های عمومی توسط دولت و احزاب سرمایه داری، تبعیض، نا عدالتی ملی و طبقاتی رو به اوج رسانده و با دامن زدن به تضادهای طبقاتی کارگران و میدان مبارزه با این نهادها اعتصاب و حق کشی، احقاق مطالبات به حق مشروع، ملی و طبقاتی می نماید. احزاب و دولت های سرمایه داری با درک اینکه ستم دوگانه که بدان ملل تحت ستم روا می دارند و احساس خطر از پیوند مبارزات صنفی و ملی و عمیق تر شدن آن از طریق ستون پنجم خود در میان کارگران تلاش گسترده ای می کنند تا با ایجاد شکاف بین حقوق صنفی و حقوق ملی آن ها را در برابر هم قرار داده و بدست خود کارگران جلوی مبارزه متحد و یکپارچه آنان را برای رسیدن به خواسته هایشان را بگیرند. درست است سندیکا به عنوان یک تشکل طبقاتی اتحادیه کارگران برای بهبود شرایط رفاهی، مالی، دستمزدهای شایسته امنیت شغلی، اشتغال دائم، تامینات اجتماعی از جمله بیمه های درمانی، بازنشستگی، از کار افتادگی و ... می باشد و درست است سندیکا با دیگر تشکل های فرق می کند ولی آیا مبارزه برای خواسته ها و گرفتن حقوق صنفی شروع مبارزه ملی را سد می کند و یا برعکس وحدت کارگران و شرایط رفاهی آنان زمینه مبارزاتی کارگران را راحت تر و آسانتر می کند آن ها به کارگران اینطور تلقین می کنند که به برده گی و بهره کشی طبقه سرمایه داران داده و به درمان، تغذیه، مسکن، بهداشت و کار و نان خود و بچه های فکر نکن سرمایه داران ملل تحت ستم به عنوان ستون پنجم طبقه شونیست سرمایه داری ایران با استفاده از شرایط ایجاد شده دولت سرمایه داری مرکزی ایران مانند دستمزدهای 4/1 خط فقر، قراردادهای سفید امضاء و موقت در بررسی کانون کارگران تبدیل تحصیل، درمان، آب، برق، گاز و خدمات درمانی، حمل و نقل عمومی به حیاط خلوت بهره کشی مضاعف مزد بگیران، کیسه زرمافیای ثروت در چنین شرایطی منع فعالیت های قانونی آزادی اعتصاب، تشکل ها، بوسیله دولت سرمایه داری کل اکثریت 99 درصدی ثروت های اصلی را بهره کشی کرده از طرفی اعلام می کنند ما هیچ کاری به نان، مسکن، کار، حقوق انسانی و سندیکا و این خواسته ها نداریم. رعایت کردن حق تشکل، حق اعتراض، خواسته های ملی و کشیدن دیوار چین به دور این مطالبات به زبان ساده اینکه ما سرمایه داران ملل تحت ستم این حق را داریم که اساسا کارگران خود را خود بچاپیم.

معنی استقلال نه کنترل سرنوشت سیاسی و اقتصادی کشورها توسط خود اتحادیه های کارگری، بلکه تولد مافیای ثروت قدرت جدید به نام ترک، کرد، بلوچ و عرب برای بهره کشی از زحمتکشان و بهره کشی از ثروتهای ملت ها (اینان یعنی دزدان خانگی جدید). برای یک کارگر کرد، ترک، بلوچ، عرب چه فرقی می کند چه کسی او و خانواده اش را به گرسنگی، دربدری بکشاند با این وضع چاره کارگران برای رسیدن به

حقوق ملی و خواسته های خود چیست؟ با توجه به اینکه اولاً ردپای بهره کشی و سرکوب افراد توسط دولت سرمایه داری ایران علیه کارگران و مردم ستمدیده ملل تحت ستم به طور یکپارچه و هماهنگ در سطح ملی پیش برده می شود و ثانیاً در این شرایط غیر انسانی معمول تفرقه

گرایی، پراکندگی و ناآگاهی کارگران در دوری از درک مطالبات اساسی و تشکلهای سازمانی متناسب با آن می باشد و ثالثاً اینکه عوامل سرمایه داران در میان ما آگاهانه به چشم کارگران خاک پاشیده و به این تفرقه دامن می زند پس بر ما کارگران است که بدانیم اتحاد آگاهانه و داوطلبانه کلیه کارگران ملل تحت ستم براساس منافع ملی و طبقاتی در برابر بهره برداری سرمایه داران ایران تنها راه نجات ما است برای یک کارگر با هر ملیتی مبارزه متحد و یکپارچه برای خواسته های خود مانند موارد ذکر شده بالا به همان اندازه لازم می باشد که مبارزه برای حق تعیین سرنوشت ملی برای اداره شورائی و اقتصادی، سیاسی و ملی که مستلزم توسط زحمتکشان بدون بهره کشی و گرسنگی فرد توسط سرمایه داران همان ملت. این پیشرفت مبارزه لازم و ملزوم و تقویت کننده همدیگر هستند در هر صورت سندیکا در حد صنف از یک رشته مانند نقاشان ساختمان به اتحادیه و فدراسیون در حد سراسری به عنوان ابزار مبارزه اقتصادی کارگران برای رسیدن به مطالبات صنفی و رفاهی آنان در هر شرایط حیاتی و لازم می باشد و مبارزه برای رفاه اجتماعی و بهبود شرایط کارگران ملل تحت ستم در مقابل مبارزه ملی برای هویت فرهنگی، زبانی، قومی نبوده بلکه مکمل و تقویت کننده آن است.

آیدین قره داغی از تبریز فعال سندیکایی



کارگر، معلم، دانشجو، پرستاران، بیکاران اتحاد، اتحاد

ما خواهان حق تشکل، حق اعتصاب، امنیت شغلی، دستمزدهای متناسب با تورم هستیم

علیه فقر و تبغیض کارگر، معلم به پاخیز

نان، مسکن، آزادی، امنیت شغلی

قرار داد موقت لغو باید گردد

اشتغال دائم ایجاد باید گردد

تحصیل، درمان، مسکن رایگان حق ماست

جیب ما خالیه نماینده مشغول رشوه خواریه



نامه های رسیده

م. عسلی از بندر عباس

دنباله روی از پراکندگی و نا آگاهی کارگران و فرقه گرایی و قهرمان سازی دو آفت بزرگ در ایجاد اتحادیه های سراسری کارگران ایران است.

جنبش جهانی کارگران در طول 200 سال مبارزه طبقاتی اقتصادی، سیاسی اجتماعی و فکری خود علیه استثمار نظام سرمایه داری در اشکال اعتصابات سیاسی و اقتصادی با سازماندهی احزاب موجود برای رسیدن به خواستهای قانونی خود در تخفیف بهره کشی و بهبود شرایط و دست یابی به خواسته های خود و ریشه کنی بهره کشی استبداد سرمایه داری و اداره و حاکمیت خود بوسیله شورای کارگران سرنوشت اقتصادی و سیاسی شان آگاهی و تجارب طبقاتی بسیاری زیادی اندوخته اند. در طول 200 سال مبارزه برای منافع آتی و آنی جز امورات اساسی که همیشه گریبانگیر این مبارزات بوده و هست :

اول - چسبیدن به شرایط بردگی و ازیاد بردن منافع مادی خودشان از بردگی و چانه زنی و ارتقاع کیفیت زندگی در تن دادن به ادامه شرایط بهره کشی.

دوم - بنام موضوعات کلی بهره کشی دوری از ارتباط، ادامه تفرقه، خواسته ها و سازماندهی مشخصات کارگران در محیط کار و زندگی در قالب فرقه های غیر کارگری .

اولی با این شعار که به فکر نان باش که خربزه آب است به همین زندگی بچسب بی خیال خلق و تعیین سرنوشت و نابرابری و دوم با پرش از خواسته های مشخص به طرف سازشکاری و کشیدن دیوار چین بین منافع آتی و آنی کارگران از مبارزات یکپارچه و همزمان و همسو مبارزاتی کارگران دور می شود. آگاهی و تشکل مبارزاتی طبقاتی کارگران را نه تنها در خدمت سازماندهی مبارزه طبقه کارگر قایل نمی شود، بلکه به آنی و دگم و چیزی قائم به ذات در منافع خورده بورژوازی و فرقه های فوق تبدیل می کنند و بلاخره اینکه یکی با دنباله روی و پرستش خود به خودی و آگاهی و تفرقه و دیگری با پرستش ادا و اطوار روشنفکرانه ی که نمی توانند با کارگران پیوند برقرار کنند، عملاً به ترمز و سد راه کامل آگاهی طبقاتی کارگران و رسیدن به مطالعات آتی و آتی خود تبدیل می شوند، دنباله روان به اصطلاح کارگری بدون توجه به ایدئولوژی سرمایه داری خود بیگانگی در قالب درونی کارگران ، گرسنگی کارگران در دوندگی 24 ساعته کارگران برای لقمه ای نان که زحمت فکر و امکان و آگاهی یابی را از آن ها گرفته و بلاخره برنامه سازمان یافته سرکوب مادی و معنوی دولت و احزاب سرمایه داری تلقین می کنند. کارگران بخودی خود بدون دخالت پیشروان در شرایط گفته شده تشکل های خود را در وقتش خواهند ساخت بنام مبارزه آگاهانه و اندوخته های کارگران را به باد می سپارند و از طرفی فرقه های با اصطلاح کارگری اغلب این تشکل ها را ساخته شده و به نوعی خود را قیم کارگران حساب می کنند که هیچ ارتباط مستقیم با محیط های کار و بدنه کارگری و کارگران ندارند، ایجاد آگاهی با برنامه و سازمان یافته تشکلات کارگر، کارگری انکان پذیر نیست، اما کارگران پیشرو و فعالین کارگری باید بدانیم اولاً جریان تجربی و آگاهی طبقاتی از اشکال صنفی ، سیاسی، فکری مبارزه طبقاتی و اشکال متناسب با این صف آراییی یعنی اتحادیه ها، شورا، کمیته های انقلابی و همچنین اشکال سازماندهی مبارزات مانند اعتصابات سیاسی ، اقتصادی، تحصن و طومار و ... به طوریکه تجارب مبارزات کارگران اثبات کرده است ، روند آگاهانه بوده و کارگران نمی توانند بوسیله مبارزه در قالب خود به خودی به این تجارب دست یابند، مخصوصاً در شرایط سرکوب فاشیستی حاکم، ثانیاً تشکل های غیر مرتبط با بدنه کارگری رو از لحاظ سازمان اگر به عنوان اشکال تشکل های طبقاتی کارگران که بخش از آنان بوده و با طبقه کارگر ترکیب نشوند به فرقه های خورده بورژوازی تبدیل شده و به سود سازمان یابی کارگران نخواهند بود ، با توجه به این دو مسئله باید آستین ها را بالا زد و با تمام توان و نیرو به قول مارکس به عنوان دسته آگاه و پیشرو کارگران و ارتباط گروهی زنده با مبارزات کارگران در جهت ارتقاع آگاهی و تشکل آن ها و سازمان یابی مبارزاتی طبقاتی حرکت کرد در شرایط کنونی ایجاد جبهه واحد کارگری از کلیه جریانات کارگری برای ایجاد فدراسیون سراسری کارگری از نان شب واجبتر بوده و اولویت اول ما پیشروان کارگری است.

نامه یک کارگر بیکار در صنایع نساجی

خبیر ویرانی صنعت نساجی که طی ده سال 100 هزار کارگر و خانواده هایشان از نان خوردن افتادند به همراه نابودی برنامه ریزی شده دیگر بخش ها مانند قطعه سازی، پوشاک، قند و شکر امری عادی برای کشور بلادیده می باشد، چرا که در جامعه سرمایه داری

دلالی عقب مانده وابسته ایران دلالی و بد بستان بر تولید غلبه دارد. قاچاق 25 میلیارد دلار به همراه واردات 50 میلیارد دلاری توسط مافیای ثروت و قدرت که در تازه ترین خبرها واردات ماشین، قند و شکر حتی میوه آزاد شده است، در این نظام، باند حاکم اغلب باعث خانه خرابی، بیکاری کارگران و رشد سود هزاران میلیاری یک شبه مزدوران حاکم می شود، که کمر تولید را شکسته و جمعیت میلیونی بیکار شده توسط سرمایه داران کثیف و دلال به طرف شغل های کاذب اجباری مانند رانندگی، دستفروشی، قاچاق، مواد فروشی کشیده شده و به تباهی می روند، گردش کثیف غیر متعارف سرمایه به قدری آشکار می باشد که وزیر کشور اعتراف کرد این پولهای کثیف به دست آمده از سودهای مواد مخدر به حساب اعتیاد میلیونی توسط مافیای حاکم وارد جریان انتخابات شده است، ایران یکی از فاسد ترین کشورها در زمینه توزیع نا عادلانه ثروت های اقتصادی ملی می باشد، که نگاه کوچکی به امارهای اختلاس بیانگر این موضوع است، مانند 220 هزار میلیارد پول بانکی و 6500 میلیارد تومان و غیره که بطوریکه همه فسادها نهادینه شده است. محاسبات اقتصادی - اجتماعی کشور در نبود اتحادیه های سراسری کارگری و مزد بگیران به عنوان ابزار مبارزه و کنترل اقتصادی و همچنین خفقان و سرکوب و زندان و منع کوچکترین آثار فعالیت های صنفی و مدنی و منع آزادی اعتصاب و حق ایجاد تشکل، آزادی بیان و قلم و مطبوعات بر دامنه فساد موجود می افزاید. در حالیکه ما کارگران و مزد بگیران 60 میلیونی ایران به عنوان نیروی اصلی تولید، آموزش درمان، قلب طپنده جامعه بوده و اگر در تشکل های سراسری خود مانند اتحادیه های سراسری متشکل بشویم می توانیم این ارادل و اوباش را وادار به عقب نشینی کرده و مجبور به پذیرش قسمت هایی از حقوق حقه خود بکنیم. برای رسیدن به این هدف و یکپارچگی سراسری باید به گفته سرمقاله نشریه کارگران ساختمان شماره 2 از طریق ایجاد تشکل های کارگری موجود و پیشروان کارگری از دیگر بخش های کارگری و هیئت های موسس و فدراسیون های سراسری را ایجاد کرده و تا می توانیم در جهت ایجاد تشکل های سراسری حرکت کنیم.

اخبار

بنا به گزارشهای رسیده روز شنبه 22 فروردین کارگران کارخانه فولاد سازان فرآیند با توجه به قرار قبلی که بایستی برای تحویل مدارک مراجعه می کردند به همین دلیل با همراه داشتن مدارک و سایر مستندات و احکام صادره اداره کار و مراجع قضایی به وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی مراجعه کردند و همچنین لازم به ذکر است که این دومین روز در چهار روز گذشته می باشد که این کارگران در مقابل ساختمان وزارت کار در تهران تجمع می کنند. کارگران حاضر در تجمع امروز در خصوص مشکلات صنفی شان گفتند که 80 نفر از کارگران دائمی کارخانه «فولاد سازان فرآیند» واقع در شهرستان ملارد در اقدامی ناگهانی توسط کارفرما در روز ۲۵ فروردین ماه سال 93 اخراج شدند. پس از اخراج، کارگران برای بازگشت به کار به اداره کار شهرستان ملارد شکایت کردند. کارگران با وجود دریافت حکم بازگشت به کار و توقیف اموال کارخانه، تا به امروز حدود یکسال است بلاتکلیف بوده و تا کنون نتوانسته اند به مطالبات قانونی خود دست یابند.

ضمناً کارگران تجمع کننده به این نکته اشاره کردند که کارفرما برای رهایی از کارگران رسمی کارخانه و پرداخت نکردن مطالبات معوقه شان، توجیه اقتصادی نداشتن تولیدات این واحد صنعتی را مطرح کرد و درب های کارخانه را بر روی کارگران رسمی بستند. این اقدام کارفرما درحالی صورت گرفت که بعد از چند روز کارفرما تقریباً به تعداد کارگران اخراجی نیروی قرار دادی جدید استخدام کرد.

اسماعیل عبدی دبیر کانون صنفی معلمان تهدید به زندان شد

ماموران پس از اوجگیری اعتراضات معلمان که همچنان ادامه دارد و هر روز بیشتر گسترش می یابد ، برای انتقام گیری و ترساند معلمان، اسماعیل عبدی را احضار کردند و او را تهدید کردند که اگر کلمه کارگر را از سایت خود بر ندارید تو را زندانی خواهیم کرد و باید ده سال در زندانی بمانی ، البته آقای اسماعیل عبدی دبیر محترم کانون صنفی معلمان شجاعانه ایستاده و گفته است ما از کارگران دفاع می کنیم و کارگران از ما دفاع می کنند چون همه ما گکردانندگان واقعی جامعه هستیم ، که باید با هم و متحد خواسته و مطالبات خودمان را پیش ببریم و اگر شما مرا زندانی کنید معلوم می شود که دشمن زحمتکشان چه کسانی هستند ، حال هر کاری که دوست دارید بکنید.

ریبوار عبداللہی فعال کارگری

ریبوار عبداللہی فعال کارگری که در دادگاه اولیه (شعبه یک) توسط قاضی سعیدی به یک سال حبس تعزیری محکوم شده بود روز یکشنبه مورخ ۲۲ فروردین ۹۴ جهت اجرای حکم به شعبه ۴ احضار و از آنجا به زندان مرکزی سندانج منتقل شد. لازم به یاد آوری است که ریبوار در این مدت به حکم صادره معترض بوده و در دادگاه تجدید نظر استان کردستان بررسی و دوباره حکم یک سال زندان برای نامبرده ابقاء گردید. نامبرده کارگر ساختمانی و دارای یک فرزند ۶ ماهه می باشد.

